

گفت و گو با «دومینیک په رو» طراح و معمار بنای جدید کتابخانه ملی فرانسه*

ترجمه: فرزانه طاهری قندهاری

چند ماه پس از انتخاب فرانسوا میتران به ریاست جمهوری فرانسه، ساخت و سازماندهی بزرگترین و مدرن‌ترین کتابخانه در جهان توسط وی اعلام شد. در ۱۲ آوریل ۱۹۸۹ زمانی که کابینه به تعیین سرفصل‌های طرح پرداخت وضعیت طرح روشن شد و در ۲۱ اگوست ۱۹۸۹ وزیر فرهنگ ژاک لانگ اعلام کرد کتاب‌های چاپی، نشریات و مواد سمعی و بصری کتابخانه ملی فرانسه (واقع در خیابان ریشولیو) به محل جدید واقع در خیابان تولییاک منتقل خواهند شد و بقیه منابع در ساختمان ریشولیو باقی خواهند ماند.

طرح ساخت کتابخانه جدید به مسابقه گذارده شد. از ۲۵۰ شرکت کننده در مسابقه ۱۰ نفر فرانسوی بودند، و سرانجام طرح دومینیک په رو معمار ۲۶ ساله فرانسوی توسط فرانسوا میتران انتخاب شد.

این طرح شامل ۴ برج به شکل "L" بود (همانند کتاب‌هایی باز که به صورت عمودی ایستاده باشند) مشرف بر محوطه‌ای وسیع برای قدم زدن. در وسط این محوطه فرورفتگی‌ای است که باغی بزرگ در آن ایجاد شده بود. این طرح طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ در پاریس به اجرا درآمد مطلبی که در پی می‌آید مصاحبه مجله «آشنایی با هنرها» ۲ با معمار این بنا، دومینیک په رو است.

«یک بنا هنگامی به شهرت و اعتباری که درخور و شایسته آن است می‌رسد که با بافت شهری اطراف خود هماهنگ و آمیخته باشد، در فضای محیط پیرامون آن شور زندگی باشد، و ضربان حیات در رگ‌های آن شنیده شود... این توصیفی است که دومینیک په رو، معمار کتابخانه تولییاک^۱، از طرح خود برای فیلپ ژودبو^۲ بیان می‌کند.

○ آیا شما از شکل و نحوه به اجرا درآمده طرح کتابخانه ملی فرانسه راضی هستید؟ به عنوان مثال، در طرح شما برج‌هایی که در هر گوشه قرار دارند ۲۰ متر بلندتر بوده است. دومینیک په رو: این طرح یک بنای فاقد دیوار است و طول برج‌ها عامل مهمی در مجموعه‌ی فعلی نیست.

○ با این وجود آیا طرح اولیه شما چنین بود؟ دومینیک په رو: بله، اما اگر ابعادی را که در مشخصات فنی مسابقه ارائه شده بود در نظر بگیرید، متوجه می‌شوید که باغ آن عریض‌تر، و طول آن بیشتر بوده است. در مقایسه با آنچه که در ابتدای برنامه‌ریزی پیش‌بینی شده بود حدود صد هزار مترمربع فضای بیشتر به دست آوردیم که می‌توانیم میلیون‌ها جلد کتاب دیگر در آن جای دهیم.

زمانی که گفت و گوهای اولیه در رابطه با طرح تمام شد، فرصت یافتیم تا مجدداً مطابق مقیاس و نسبت‌های مقرر شده در مسابقه «کل بنا» اندیشه کنیم. من به مجموعه‌ای فکر می‌کردم که از زمین سر برآورده باشد. اما

مرحله بیانگر یک پیشرفت در طرح است. زمانی که وزیر سابق فرهنگ ژاک توبون^۵ همراه با شهردار شیکاگو برای بازدید به کتابخانه آمده بود، من به صحبت‌های او توجه کردم. باید اذعان کنم که او به نکاتی اشاره می‌کرد که ما سال‌ها در مورد آنها صحبت کرده بودیم. از جمله: توسعه مجدد ناحیه، ارتباط ورودی کتابخانه با ناحیه و ارتباط متقابل میان ساختمان و رودخانه سن یا منطقه ۱۳ پاریس. اینها مفاهیمی نو هستند که مردم برای کنار آمدن با آنها نیاز به زمان دارند. ○ بطور کلی می‌توانید بگوئید که در حال حاضر شما دلیلی برای ابراز پشیمانی از روش به اجرا درآوردن طرح خود ندارید، که البته این مسئله ناچیز و بی‌اهمیتی هم نیست.

دومینیک په رو: باید بگویم، حال که مبلمان آن نیز طراحی شده، کمتر چنین احساسی دارم. تصور می‌کنم که باید یک طرح را تا پایان آن دنبال کرد و کل آن را در نظر گرفت. من تمایلی به طراحی مبلمان آن جهت ارضای تمایلات شغلی خود نداشتم. اما باید اذعان داشت که اولین برخورد مستقیم مراجعه کننده با مبلمان آن خواهد بود. در اینجا کنار مجموعه معماری، فضاهایی نیز وجود دارد، اما مبلمان و شیوه‌ی بکارگیری فضاها نیز بی‌نهایت مهم است. نکته‌ای که احساس می‌کنم نیاز به پی‌گیری واقعی دارد، رفع ناهماهنگی بین وسعت و همخوانی فضاهای طراحی شده با ترتیب قرار گرفتن منطقی آنها است.

○ همیشه به حداقل تأثیراتی که هنر بر معماری شما داشته است اشاره کرده‌اید. اگر از شما خواسته شود تا مجدداً این طرح را به عهده بگیرید، می‌توانید تصور کنید که چه عناصری را به دلایل زیبا شناختی تغییر می‌دهید؟ آیا نظر شما در مورد انتخاب مصالح ساختمانی یا حتی شکل ظاهر تغییر کرده است؟

دومینیک په رو: هیچ کس نمی‌تواند عین یک کار را دوبار انجام دهد. اما در پاسخ به سؤال شما، باید بگویم، به تازگی در مسابقه ساخت کتابخانه ملی ژاپن در «کانزای خان» شرکت کردیم. طرح ما به موازات کتابخانه تولییاک - میتران ادامه داشت و شاید کامل‌تر هم بود. در محل مورد نظر یک تپه وجود داشت که بخشی از آن برداشته شد تا مکان مسطحی برای ساخت کتابخانه فراهم شود. ما پیشنهاد کردیم مجدداً یک باغ و فضای سبز - نه یک تپه - ساخته شود. در مرکز این باغ یک منشور شیشه‌ای با ۴ متر ارتفاع، ۸ متر عرض و ۲۰۰ متر طول قرار گرفت. گویی یک سقف شیشه‌ای روی کتابخانه ملی فرانسه گذاشته شده است. در طرح کانزای خان هیچ برجی وجود ندارد، تنها همین منشور است. مراجعه کننده وارد این حجم شیشه‌ای می‌شود و سپس به طرف کتابخانه پایین می‌رود تا به اتاق‌های مطالعه، که اطراف آن اتاق کتابداران و مخازن کتاب است برسد. حالا که فکر می‌کنم می‌بینم شاید همین کار را در پاریس هم می‌کردم. نمی‌دانم!

○ نبود برج‌ها در طرح ژاپنی چقدر چشم‌گیر است؟ دومینیک په رو: همیشه فکر می‌کردم برای یک بنای یادبود، اهمیت تاریخی، قابل رؤیت بودن آن در پاریس است. اما این موضوع در مورد کتابخانه ژاپن کمی تفاوت داشت. این کتابخانه در یک دره واقع شده بود و ساختمان

معتقدم که تنها زمانی این مجموعه نمود پیدا می‌کند که محصور ساختمان‌های دیگر باشد. هنگامی که کتابخانه با بافت شهری درآمیخته باشد و ضربان حیات در اطراف آن احساس گردد، منظور من بهتر درک خواهد شد. ورودی کتابخانه به جانب رودخانه نخواهد بود. اما از جانب پشت نما، در همان سطح، مسیر عبوری خواهد داشت که بیننده را به تراسی یا نمایی از بالا به روی رودخانه سن راهنمایی می‌کند. موقعیت کنونی پیرامون کتابخانه مغایر با آن چیزی است که تا ۴ یا ۵ سال آتی خواهد بود. در این مورد کاملاً مطمئن هستم. اما باید تصور بود. این طرح، طرحی مجرد نیست و وجودش وابسته به اتفاقاتی خواهد بود که در اطرافش به وقوع می‌پیوندد. البته این کار به نوعی خطر است. اما من توجه به این نوع کنش و ارتباط متقابل را دوست دارم.

○ خطری که به آن اشاره کردید مربوط به چگونگی محیط اطراف کتابخانه در آینده است؟

دومینیک په رو: ساختمان یک بنای مستقل از بافت اطراف خود، به معمار آن آزادی عمل بیشتری می‌دهد. مشکلات یاد شده همیشه به هنگام ساخت و ساز به وجود می‌آید. اما حداقل، قابل کنترل هست. این مسئله در اینجا مورد بحث ما نیست. با این همه، چیزی است که این قضیه را بسیار جالب و پر بار می‌کند و قضیه‌ای است بی‌انتها. مطلب این نیست که چه اتفاقی می‌افتد، هر

◀ در مقایسه با آنچه که در ابتدای برنامه ریزی پیش بینی شده بود حدود صد هزار مترمربع فضای بیشتر به دست آوریم که می توانیم میلیون ها جلد کتاب دیگر در آن جای دهیم.

◀ من به مجموعه ای فکر می کردم که از زمین سر برآورده باشد. اما معتقدم که تنها زمانی این مجموعه نمود پیدا می کند که محصور ساختمان های دیگر باشد. هنگامی که کتابخانه با بافت شهری در آمیخته باشد و ضربان حیات در اطراف آن احساس گردد، منظور من بهتر درک خواهد شد.

◀ این طرح، طرحی مجرد نیست و وجودش وابسته به اتفاقاتی خواهد بود که در اطرافش به وقوع می پیوندد. البته این کار به نوعی خطر است، اما من توجه به این نوع کنش و ارتباط متقابل را دوست دارم.

این گفته بر من تأثیری عمیق گذارده است. و بدون تأمل آن را بکار می برم. چرا که آن را واقعاً مؤثر می دانم. بی تفاوت به نظر رسیدن در جایی که شما بی تفاوت نیستید، امری بسیار مشکل است، با این حال در روند این نوع گفت و گوها نکات قابل توجهی نیز آرایه می شود. استدلال های محکم کتابخانه و تیم ما در تعیین برخی گزینش ها طی برنامه و برخی راه حل ها، ما را در ساخت و سازماندهی مکانی بزرگ که مایه مباحثات دنیای علم و تحقیقات است یاری رسانید.

○ همانطور که به خاطر تغییر سلیقه ها، امروز تعدادی از معماران باعث یک به اصطلاح نوگرایی^۷ شده اند که بر پایه ی سادگی شکل ها است و مستقیماً به «کمینه گرایی»^۸ در هنر مربوط می شود. این امر نه تنها در اروپا بلکه در ژاپن و دیگر جاها نیز مشخص است. آیا بروز این گرایش نشان دهنده این موضوع نیست که حداقل برخی از ایده های شما که در اینجا بیان شده، حال به کرات در روند و خط فکری معماری دیده شده است؟

دومینیک په رو: شاید. اما این بنا دارای یک معماری بسیار آرام است. ساختمانی که بر پایه ی ایجاد سکوت و خلاء کار کند، به گونه ای تداوم و ثبات در آن وجود دارد. و برای اینکه کتابخانه جای واقعی خود را در میان همسایگان نزدیک در شهر پاریس پیدا کند نیاز به زمانی برابر یک دهه دارد. این طرح حدود بیست سال عمر خواهد کرد. - که دورانی طولانی برای اینگونه بناها نیست - من مطمئن هستم که این بنا تأثیر خود را بر زندگی انسان خواهد گذارد. تا جایی که ممکن است سعی کردم دیدی آینده نگر داشته باشم، تا زمانی که لحظه شکوفا شدن بنا هست، شروع به اضمحلال نکند (حرکتی فوری به سوی عوامل بنیادی و ضروری). من خواستار نوعی حساسیت و قابلیت در ترکیب انسانی و عوامل انعطاف پذیر با عوامل خشن و غیرقابل انعطاف هستیم، که مفهوم اعتبار و ارزش را به عنوان مظهری تعدیل شده برای بناهای کشور فرانسه ایجاد کند. □

من اثبات و تایید شده این است که اختلاف نظر میان آنهایی است که طرح را ندیده اند و یا کسانی که هرگز داخل ساختمان کتابخانه نشده اند با کسانی که از محل بازدید کرده اند. این بازدیدکنندگان چه از بنا خوششان بیاید، و چه خوششان نیاید، یک بار ساختمان را دیده اند، و دیگر آن تصور گذشته را که با خواندن مطالبی در نشریات، و یا با عبور سریع با ماشین و از کنار آن به وجود آمده بود، ندارند. این بنا را نمی توان در یک عکس به تصویر کشید. هیچ دوربینی عکس های همانند هم نمی گیرد. و بیننده ها نیز آن را به طور یکسان درک نمی کنند. زمانی که سرانجام دسترسی عموم به کتابخانه میسر باشد و اولین اتاق مطالعه آماده آرایه خدمات به مراجعان گردد می توانیم بگوئیم که ارتباط با ساختمان به طور کامل برقرار می شود. این ارتباط بر مناسبات معماری صحنه خواهد گذارد. این روشی است که در طرح هایی با مقیاس کلان به کار می رود. رئیس جمهور میتران این جمله را می گفت: «دریا و موج ها وجود دارند. و

آن به خوبی دیده می شد. زیرا از بالا دید داشت. به همین جهت سقف آن از حجم آن بیشتر اهمیت داشت. در حالیکه در چشم انداز پاریس به خصوص در منطقه ۱۳، ساختن آن برج ها از بُعد معماری امری صحیح بوده است. ○ به هر حال، برج ها باعث فراهم شدن زمینه ی برانگیختن تندترین انتقادات به طرح شد. آیا شما از معماری نمادین این روش و رخدادهای منتج از آن حمایت می کنید؟
دومینیک په رو: بله، صد درصد.

○ آیا تصور نمی کنید که شما را در ابتدای کار به خوبی درک نکرده اند، یا اینکه در طول سال هایی که روی طرح کتابخانه تولیباک - میتران کار می کردید سلیقه ها تغییر کرده است؟
دومینیک په رو: در گفت و گوها تا حدی سوء تفاهماتی وجود داشت. برخی هنوز بر این تصور هستند که اگر کتاب ها در برج ها ذخیره شوند آسیب خواهند دید. در حقیقت راه حل هایی برای این مشکلات پیدا شده است. اگر چه شایعه هایی بی اساس هستند. اما باید بگویم هنوز اثر مخرب خود را بر طرح دارند. اما چیزی که همیشه به

پانویسها:

1. Dominique Perrault
2. Connaissance Des Arts
3. Tolbiac Library
4. Philip Jodidio
5. Jacques Toubon
6. Kansai Khan
7. Neo - Modernism

۸. Minimalism هنر کمینه (یا هنر الفبا، هنر واقع) اصطلاحی است که در دهه ۱۹۶۰ برای توصیف هنری بکار برده شد که در تمام عناصر بیان پذیری و پندار به کوچکترین و ساده ترین صورت آن در می آید و بدین ترتیب وارد قلمرویی می شود که ضد هنر شمرده می شود (یا می شد).

• ترجمه از کتاب:

Bibliothèque nationale de France (English edition). Paris : Connaissance des arts , 1997

P.30 - 40

